

خلیج فارس

در گذر از اقتصاد مروارید به نفت

○ دکتر عبدالرسول خیراندیش

عضوهیات علمی دانشگاه شیراز

○ صید مروارید «المناص فی احوال الغوص و الغواص»

○ تألیف: محمدعلی خان سدیدالسلطنه بندرعباسی

○ سرآغاز، تصحیح و تحشیه: احمد اقتداری

○ ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) تهران، چاپ دوم،

۱۳۸۱، ۱۱۰ ص، شابک ۹۶۴-۷۴۸۳-۴۱-۲

معاضدالسلطان که در اصل نماینده وزارت امور خارجه در جنوب ایران بود از وی در باب صید مروارید و جهات گوناگون آن طی مکتوبی پرسش کرده است. طی همین نامه معاضدالسلطان وی را آگاه‌ترین کس به احوال خلیج فارس دانسته و سدیدالسلطنه خود متذکر می‌شود.

بسم‌الله تعالی شانه‌العزیز

دبیاچه

«پس از درود و ستایش چنین گوید پور حاج

احمدخان بندرعباسی (محمدعلی) مدعوبه

(سدیدالسلطنه) در حدود هزار و سیصد و دو

شمسی سید عبدالله خان معاضدالسلطان نماینده

وزارت امور خارجه در بنادر جنوب که نمایندگی

وزارت فوائد عامه را هم توأم داشته‌اند سؤال چند

راجع به صید مروارید و غوص و غواصی از

نگارنده نمودند با تحقیقات دقیق باختصار یک

جواب ائینک نگاشته آن سؤال و جواب را هم در

اینجا خواهد نگاشت و همان بیرنگ این رساله

شد چون سپس در صدد افتادم اطلاعات مفیده

راجع به رشته مزبور زیاد کند در نتیجه زحمت و

کوشش پوشش تدوین را این رساله پوشید

چنانچه رحاله عصر حاضر یگانه فاضل دانا

امین‌الریحانی در کتاب معروف خود ملوک العرب

که در حدود هزار و سیصد و سه شمسی نگاشته

است اذعان و تصدیق کرده‌اند با یک حیرت کامله

که چگونه تاکنون در احوال صید مروارید

خلیج فارس هیچیک از دانایان گذشته و حال

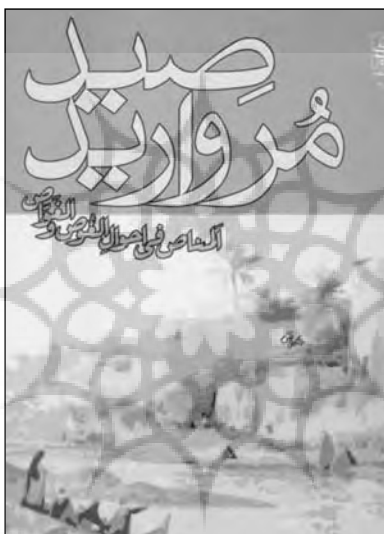
چیزی نگاشته‌اند. پس نگارنده که به پیشیزی نبرزد حق دارد در نگارش این

رساله که به المناص فی احوال الغوص و الغواص موسوم شده ابتکار را ادعا کند.

و افتخار این ابتکار هم راجع به عصر معدلت و معارف حصر اعلیحضرت [...]

خواهد بود که بسیاری از این ابتکارها از تشویقات ملوکانه دربر دارد در نوزدهم

امرداد سال هزار و سیصد و هشت شمسی مطابق ربیع‌الاول هزار و سیصد و



هر چند اطلاعات

سدیدالسلطنه بیشتر مبتنی بر

مشاهده است و کمتر صورت

مطالعات کتابخانه‌ای و سندی

دارد، اما در مجموع مطالب

گسترده و مفید را گردآوری

کرده که امروزه برای محققان

بسیار حائز اهمیت است

کتاب صید مروارید یا المناص فی احوال

الغوص والغواص هر چند حجم اندکی دارد اما

یکی از بهترین آثار سدیدالسلطنه کبابی

بندرعباسی به شمار می‌آید.

برای کسانی که درباره خلیج فارس و نواحی

پیرامونی آن در دو قرن اخیر تحقیق و تفحص

می‌کنند سدیدالسلطنه نام آشنایی است.

او که در سال ۱۲۴۹ ش. به دنیا آمد و در

سال ۱۳۲۰ ش. درگذشت. بیش از هفتاد سال از

عمر ۹۱ ساله خود را در امور اداری و مشاغل

گوناگون سواحل خلیج فارس گذراند. در نتیجه

اطلاعات وسیعی از تاریخ و جغرافیای امور

اقتصادی و جمعیتی آن نواحی کسب کرد که

آن‌ها را در آثار متعدد خود منعکس ساخته است.

هر چند اطلاعات سدیدالسلطنه بیشتر مشاهده

است و کمتر صورت مطالعات کتابخانه‌ای و

سندی دارد اما در مجموع مطالب گسترده و مفید

را گردآوری کرده که امروزه برای محققان بسیار

حائز اهمیت است.

در این نوشتار بر آن نیستم که درباره

سدیدالسلطنه و آثارش گفتگو کنم. لذا دامنه

بحث کلی را فروچیده و همین کتاب اخیر را که

مانند دیگر آثار سدیدالسلطنه به همت و تلاش

جناب آقای احمد اقتداری به زیور طبع آراسته

شده مورد نقد و نظر قرار می‌دهم. در مقدمه

همین چاپ نیز جناب اقتداری شرح حالی کوتاه

اما گویا از سدیدالسلطنه و آثارش بدست می‌دهد.

این چاپ که به همت سازمان میراث فرهنگی

کشور و دبیاچه محمد میرشکرامی، مدیر پژوهشگاه مردم‌شناسی آن سازمان

صورت گرفته در واقع براساس چاپ قبلی کتاب که در سال ۱۳۰۸ در تهران

صورت گرفته، می‌باشد.

سدیدالسلطنه خود در چند موضع از این کتاب متذکر می‌شود که در سال

۱۳۰۲ ش. یکی از امنای دولت در وزارت فواید عامه به نام سید عبدالله خان

چهل و هشت قمری در طهران به پایان رسید.^۲

اما سدیدالسلطنه توجه نکرده است که پیش از آن کتابهای متعددی درباره مروراید نوشته‌اند. از جمله خود وی متذکر می‌شود که از کتاب **ملوک العرب** نوشته **امین الریحانی** طبع بیروت ۱۹۲۵ م. که خود مأخوذ از **تحفة البهائیه** نوشته **شیخ خلیفه بن محمد البهائیه الطایب** بوده؛ استفاده کرده است.

پس از آن **محمدعلی بن ابی‌طالب حزین لاهیجی** کتابی به نام **جواهرنامه** یا رساله در **چگونگی صید مروراید** نوشته که دو نسخه خطی از آن در هندوستان موجود است. لاهیجی در ایام فتنه افغانه از اصفهان به بصره رفت و سپس به بندرعباس رفته، سرانجام ساکن عمان شد و بجز این اثر از خود کتابی به نام **سفرنامه حزین** بجای گذاشته است.^۳

پیش از **حزین لاهیجی** نیز آثار دیگری در جواهرشناسی داریم که از آن جمله است: کتاب **تنسوخ نامه ایلخانی** نوشته **خواجه نصیرالدین طوسی**^۴ و **عرایس الجواهر و نقایس الاطایب** نوشته **ابوالقاسم کاشانی**^۵ و پیش از این دو، **جواهرنامه نظامی**^۶ و مقدم بر همه اینها **الجماهر فی الجواهر** نوشته **ابوریحان بیرونی**^۷ است.

هر یک از این آثار مباحث مفصلی در شناخت مروراید و اقسام آن دارند، اما از نظر توضیح مسائل جغرافیایی و اقتصادی صید و تجارت مروراید به پایه اثر **سدیدالسلطنه** نمی‌رسند. از این نظر کتاب **صید مروراید** که در عصر پایانی این فعالیت اقتصادی نوشته شده از ارزش خاصی نه تنها برای شناخت مسایل مربوط به صید و فروش مروراید در عصر مؤلف دارد بلکه برای یافتن اشرف و دقت نظر در متون قبلی نیز دارای فواید بسیار خواهد بود. حتی با وجود آنکه پس از **سدیدالسلطنه** آثاری درباره مروراید بوجود آمده اما باز هم اثر وی ارزش خود را دارد و مثل کتاب **تاریخ الغوص علی اللؤلؤ فی الکویت...** نوشته **سیف مرزوق الشملان** در دو جلد که حدود هزار صفحه می‌شود^۸ (۱۹۷۸ م. ۱۳۹۸ هـ) و کتاب **نرم تنان خلیج فارس** نوشته **دکتر مهدی تجلی پور**. کتاب اخیر نشان می‌دهد که تا چه اندازه مقوله مروراید برای ایرانیان از جنبه‌های اقتصادی دور شده و صرفاً جنبه زیست‌شناسانه گرفته است.

کتاب **صید مروراید** نوشته **سدیدالسلطنه** نیز نشان می‌دهد که چگونه موقعیت اقتصادی ایران در خلیج فارس در ربع اول قرن بیستم نابسامان بوده است. **سدیدالسلطنه** پس از شرحی طولانی از مسائل مختلف صید و اسباب و آلات و فنون و فصل و مراکز و فواید آن می‌نویسد که مناطق همجوار نیز از سواحل ماست. او می‌نویسد در مجموع از خلیج فارس ۶۰ الی ۷۰ میلیون روپیه مروراید بدست می‌آید که از این مبلغ فقط ۱/۵ میلیون روپیه تعلق به ایران دارد.^۹ این مقدار که مربوط به ایران است نیز در اصل و اساس فقط متعلق به **بندرلنگه** و **جزیره کیش** می‌شده و دیگر نقاط چندان رونقی نداشته‌اند.

در اوایل قرن بیستم در یک برآورد جهانی، تجارت مروراید بیشتر در دست هندی‌ها بوده و بمبئی مرکز مهمی برای مبادله آن محسوب می‌شد، آن هنگام فرانسوی‌ها نیز درصد بودند تجارت جهانی آن را به خود اختصاص دهند. اما

در خلیج فارس، **بحرین** مرکز مهم صید و مبادله محسوب می‌شد. هر چند دیگر **شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس** هم درآمد خوبی داشتند اما **سدیدالسلطنه** به عنوان **کارگزاری مطلع امیدوار** بوده که با مرکزیت دادن به **کیش** بتوان رونقی در بازار ایرانیان پدید آورد. برای این منظور **سدیدالسلطنه** شرح جالب توجهی از ترتیبات و سازماندهی صید مروراید و عایدات و عوامل آن و نیز مالیات‌های متعلق بدان بیان می‌کند.

او در دنبال پیشنهادی که در قدم اول اصلاحی ساختاری در نظامات اداری و سیاسی سواحل شمالی خلیج فارس داده شود متذکر می‌شود که هرگونه مداخله **نسنجیده دولت** مفید نخواهد بود.

چنانکه مداخله دولت در امور صید مروراید **خارک** چون با مخالفت خان **بندر ریگ** همراه بود، **صیادان** عوامل دولت را **گمراه** و **سرگردان** ساختند و نتیجه‌ای حاصل نشد.^{۱۱} لذا توجه می‌کند:

«هر گاه دولت بخواهد از حاصل غواصی عایدات پیدا فرماید بدوایستی استقلال خود را در بنادر **شیبکویه** و بنادر **ثلاثه** مستقر سازد. بعد از آن به عملیات بپردازد.

بعد از استقرار دولت در آن حدود ممکن خواهد بود آلت غواصی دیگری که با آن غواص چند ساعت در دریا توقف و سیر می‌نماید دولت به آسانی وارد کرده و در حدود سواحل **بندر لنگه** و **بنادر شیبکویه** و **ثلاثه** و **دشتی** و **جزایر فرور** و **هندرابی** و **قیس** و **شیخ شعیب** و **سری مشغول** غوص شود.

غواص و **تجار** حالیه در **بجوجه دریا مشغول** غوص باشند و از عایدات خود سهم یک **غیص** چنانچه حال به **شیخ متبوع** خود می‌دهند در آن موقع به دولت تسلیم نمایند.^{۱۲}

سدیدالسلطنه می‌افزاید:

«هر گاه دولت بخواهد این ترتیب را در حدود بنادر خود دهد بهترین مراکز **جزیره قیس** خواهد بود که در وسط واقع شده است.

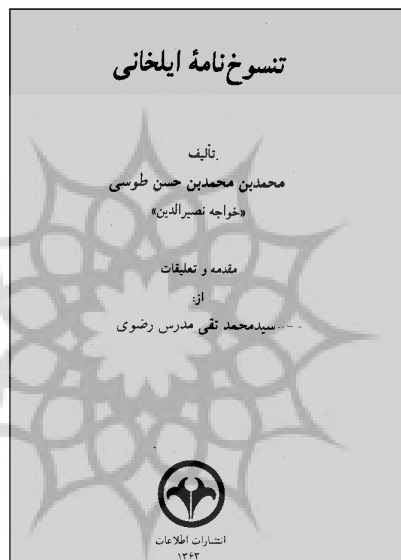
مالیات مروراید از کشتی یا از غواص یا از صاحب کشتی نمی‌توان گرفت چون عایدات بر کشتی و غواص تقسیم شود پس همان سهم **یکنفر غیص** یا بیشتر از هر کشتی بایستی دریافت نمود.

امروزه هر گاه دولت بخواهد بر کشتی غوص یا غواص‌ها مالیات گذارد با حالت حالیه یقیناً صاحبان کشتی و غواص‌ها کلیه اتصال به عمان خواهند نمود.

در هر موقع مالیات اجرا شود **بدیهی** است بعد از فصل غوص موقع آن است چون قبل از آن، هم صاحب کشتی و هم غواص‌ها محتاج مصارف **یومیه** باشند و **مخارج** خود را به استقراض پیدا کنند.^{۱۳}

دقت نظر **سدیدالسلطنه** که همه جوانب را برای بهبود شرایط صید مروراید توسط ایرانیان در خلیج فارس و استقرار تنظیمات مورد نظر دولت مرکزی از خلال این گزارشها می‌توان دریافت.

اما اوضاع اقتصادی سواحل ایران بهبود نیافت. آن هنگام سال‌های پس از **مشروطه ۱۳۸۴** ش. بود و دولت قاجار آخرین سال‌های حیات خود را می‌گذراند که **سدیدالسلطنه** گزارش خود را نوشت ۱۳۰۳ ش. و آن هنگام که



کتاب صید مروراید نوشته سدیدالسلطنه نشان می‌دهد که چگونه موقعیت اقتصادی ایران در خلیج فارس، در ربع اول قرن بیستم نابسامان بوده است

به چاپ رسید ۱۳۰۸ دولت جدیدی با تمایلات نوگرایی و اعاده مرکزیت مستقر شده بود یعنی حکومت پهلوی.

در چنین شرایطی تحولات سواحل جنوبی ایران در قدم اول سیر به سوی شکل دادن نظام جدید تقسیمات کشوری داشت بدون آنکه ابعاد و جوانب فرهنگی و اقتصادی آن را بسنجد.

بلکه صرفاً استقرار آرامش در داخله و قبضه تجاری سواحل را مد نظر داشت. در نتیجه از توسعه خطوط ارتباطی و تحقیق تنظیمات جدید و صحیح اقتصادی در سواحل جنوب بازماند. در نتیجه سه بندر بوشهر، لنگه و بندرعباس تا مدت‌های طولانی دچار رکود شدند. دو بندر اول یعنی بوشهر و لنگه طی یک قرن قبل آن دوره رونق و شکوه قابل توجهی را از سرگذرانده بودند، هر چند هنوز مراکز ارتباطی و اقتصادی این دو بندر همچنان فعال بودند اما احداث خط آهن به منتهی‌الیه شمال خلیج فارس هر دو بندر را در محاق سکون و سکوت کشاند، فارس به عنوان پشتوانه اقتصادی و فرهنگی هر دو بندر نیز دیرزمانی این بی‌رونق‌ی را شاهد گشت، در این میان لنگه که زمانی مرکزی برای مبادله

مروارید شده بود و چندین تاجر حتی به فروش صدف و اشتعال مبادلات داخلی یا خارج مشغول بودند روزگاری ناخوشایند یافت، فقدان توسعه خطوط ارتباطی و محدودیت‌های تجاری برای آن مشکل‌ساز شد، در شرایطی که حتی صدف نه چندان باارزش بدست آمده از عملیات صید مروارید با مشتری پروپاقرصی از آلمان روبرو بود، کم‌کم تجارت آنجا نیز افول کرد. از جمله مصارف این صدفها تولید دکمه بود که علی‌رغم تلاش بعضی از دلسوزان مبنی برای دایر کردن کارخانه دکمه‌سازی در لنگه نتیجه‌ای حاصل نشد و اشتغال از طریق بهره‌گیری از صدف و همراه با آن اشتغال جمعی کثیر از ناخدا و کشتی‌دار و عمله کشتی و غواص و تاجر و امثال آن در امر صید روی در نقاب خاموشی کشید.

در شرایطی که حضور شرکت‌های آلمانی و حتی فرانسوی فرصت خوبی برای بهره‌گیری ایرانیان از رقابت دول اروپایی در خلیج فارس و خلال سال‌های قبل و بعد از جنگ جهانی اول فراهم کرده بود تمهیدات کافی برای بهره‌برداری از شرایط فراهم آورده نشد.

در آن سال‌ها عراق پس از ۱۹۲۰ تازه در حال شکل گرفتن بود، شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس پس از یک دوره طولانی مبادله معاهدات سیاسی با بریتانیای کبیر، اکنون به عقد معاهدات نفتی مشغول بودند. نفت از حدود جنگ جهانی اول نقشی سرنوشت‌ساز در اقتصاد و صنعت و سیاست و امور نظامی و ارتباطی یافته بود. معاهدات نفتی حول و حوش سال ۱۹۲۰ م.

بعدها در بهبود موقعیت سیاسی و حقوقی این شیخ‌نشین‌ها نقش مهمی بازی کرد، هر چند آنها هنوز از مروارید به خوبی بهره‌برداری می‌کردند اما کم‌کم نفت اهمیت بیشتری یافت. به این گزارش سدیدالسلطنه در سال ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴ م. توجه فرمایید:

«کویت؛ عایدات عمده آنجا همین غوص و تجارت مروارید است. به غیر از آن شاید عایدات دیگر ندارند و بیشتر اهالی آنجا در همین معامله مشغول باشند.»^{۱۴}

بدین ترتیب مزیت‌های اقتصادی سواحل شمالی خلیج فارس یعنی ساحل ایرانی در همان آغاز دوران نفت نیز مشخص است. اما چون کم‌کم مروارید به عنوان باارزش‌ترین عنصر اقتصادی خلیج فارس جای خود را به نفت داد دوران جدیدی آغاز گردید و بنیان‌های اقتصادی و حتی سیاسی جوامع پیرامون خلیج فارس با تحولات اساسی روبرو گردید. اما این تغییرات بیشتر در مفهومی کلان بود و در مفهوم اقتصاد خرد همچنان تجارت محلی و منطقه‌ای و مال‌اندیشی کارگزاران سواحل و بنادر سهمی اساسی در رونق کار و کسب مردمان و بهبود شرایط اقتصادی آنان می‌توانست ایفا کند، چنانکه سدیدالسلطنه در خلال مطالب کتاب صید مروارید متذکر شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- ظاهراً مشخصات چاپی این اثر چنین باید باشد:

سدیدالسلطنه، محمدعلی خان: صید مروارید، انتشارات کتابفروشی تهران در مجله مدرن، تهران، ۱۳۰۸.

۲- سدیدالسلطنه، محمدعلی خان، صید مروارید (المناس فی احوال الغوص و الغواص)، سرآغاز، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، میراث فرهنگی استان هرمزگان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۲.

۳- نسخه‌ای از جواهرنامه با، ۲۶۷/۳۹ و با کتابت سال ۱۱۵۸ هـ. در فهرست بشیرحسین ذکر شده و نسخه‌ای دیگر که کتابت سال ۱۲۲۵ را دارد با شماره ۵۵۳۰۸/۳ در مجموعه سبحان‌الله خان شناخته شده است. بقرار مسموع میراث مکتوب قصد چاپ آن را داشته است.

سفرنامه او نیز با عنوان و مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

حزین لاهیجی: تاریخ و سفرنامه حزین، تصحیح علی دوانی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

توضیحات مربوط به این قسمت را مرهون استاد ارجمند دکتر منصور صفت‌گل هشتم که از ایشان تشکر می‌کنم.

۴- طوسی، خواجه نصیرالدین: تنسوق‌نامه ایلخانی، با مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۳، ص ۹۰ به بعد

۵- کاشانی، ابوالقاسم: عرایس الجواهر و نفایس الاطایب، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، در مقدمه این چاپ مرحوم دانش‌پژوه آثار دیگری در جواهرشناسی را هم معرفی کرده‌اند.

۶- جواهرنامه نظامی را به تصحیح ایرج افشار احتمالاً میراث مکتوب در دست چاپ دارند.

۷- بیرونی، ابوریحان: الجواهر فی الجواهر، تحقیق یوسف الهادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴

۸- سیف مرزوق الشملان: تاریخ الغوص علی اللؤلؤ فی الکویت، ۲ جلد، الطلیعه الاولى، ۱۳۹۸ هـ / ۱۹۷۸.

۹- تجلی پور، مهدی: نرم‌نتان، مروارید ساز خلیج فارس، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲

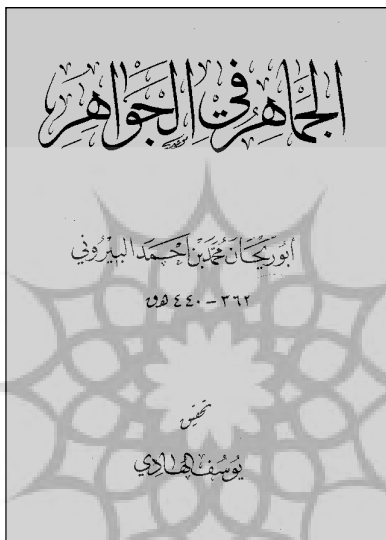
۱۰- سدیدالسلطنه، همان، ص ۵۴.

۱۱- همان، ص ۴۵.

۱۲- همان صص ۴۵-۴۴.

۱۳- همان، ص ۴۶-۴۵.

۱۴- همان، ص ۴۷.



سدیدالسلطنه به عنوان کارگزاری

مطلع امیدوار بوده که با

مرکزیت دادن به کیش،

بتوان رونقی در بازار ایرانیان

پدید آورد. برای این منظور

سدیدالسلطنه شرح جالب توجهی از

ترتیبات و سازماندهی

صید مروارید و عایدات و عوامل آن و

نیز مالیات‌های متعلق بدان

بیان می‌کند